بسم الله الرحمن الرحیم

آیا وجود نقص در جهان می‌تواند ناقص بودن خالقِ جهان را نتیجه دهد؟

تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»

آیا وجود نقص در جهان می‌تواند دلیلی بر ناقص‌بودن خالق جهان باشد؟!

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net
no_atheism
islamway1434
asteira



آیا وجود نقص در جهان می‌تواند ناقص بودن خالقِ جهان را نتیجه دهد؟

یکی از شبهاتی که ملحدان مطرح می‌کنند این است که ما در جهان نقص‌های زیادی را مشاهده می‌کنیم و از آنجایی که بین خالق و مخلوق می‌بایست تناسب و یا سنخیت وجود داشته باشد، پس می‌توان نتیجه گرفت که خالقِ این مجموعه نیز ناقص است و نمی‌تواند کامل باشد. چرا که ساخته‌های یک خدای کامل، نمی‌تواند ناقص باشد. این شبهه را اولین بار دیوید هیوم فیلسوف ملحد انگلیسی مطرح کرد. ملحدین و در رأس آنها هیوم می‌گویند که صفاتی که به علت یک پدیده نسبت می‌دهیم، الزاماً باید متناسب با معلول آن باشد و نه بیشتر، به مثال زیر توجه نمایید:
«اگر به مجموعه‌ای از نقاشی‌های پیکاسو توجه داشته باشیم، می‌توانیم بیان کنیم که خالق این اثر (به‌عنوان علت آن پدیده)، یک نقاش چیره دست بوده است، ولی از نقاشی‌ها نمی‌توان این نتیجه را گرفت که خالق این نقاشی‌ها، آشپزی ماهر نیز بوده است. به‌عبارت دیگر صفاتی که به علت یک پدیده نسبت می‌دهیم می‌بایست الزاماً متناسب با معلول باشد، پس چون در جهان نقص‌هایی وجود دارد و ناقص است پس خالق جهان که علت بوجود آورنده‌ی آن است نیز باید ناقص باشد.»

پاسخ:

در پاسخ به این شبهه می‌گوییم که اصل تناسبی که هیوم و دیگر ملحدان به آن احتجاج می‌کنند آشکارا اشتباه محض است، چرا که اگر معتقد باشیم علتِ یک معلول، تنها ویژگی‌هایی دارد که از آن معلول بدست می‌آید، قطعاً بر خطا خواهیم بود، زیرا ممکن است آن علت، ویژگی‌هایی داشته باشد که در معلول به‌طور کامل نمود پیدا نکرده باشد. فرض کنید شخصی غذایی بد مزه پخته است، آیا از این معلول (غذای بدمزه) می‌توان فهمید که علت (آن شخص) آشپزی کودن و بد سلیقه بوده است؟ قطعاً خیر، چرا که ممکن است آن فرد، آشپزی ماهر بوده باشد که بنا بر دلیلی خاص غذایی این چنینی پخته باشد.
باید توجه داشت که معلول‌ها الزاماً نشان دهنده‌ی تمامیِ صفات علت‌هایشان نیستند.
ریچارد سوینبرن فیلسوف خداباور آکسفورد در پاسخ به سخن هیوم بیان می‌کند که تبیین واقعیت عبارت از این است که طبق دلایل مستدل فرض کنیم که علت یک معلول، غیر از ویژگی‌هایی که برای تولید آن معلول کافی هستند، ویژگی‌های خاص دیگری هم می‌تواند داشته باشد.
پس با این حال بر فرض وجود نقص در جهان، نمی‌توان به ناقص بودن ناظم آن پی برد چرا که ممکن است به دلایلی جهان را اینگونه خلق کرده باشد.

آیا وجود جهانی بدون نقص ممکن است و آیا با اهداف دین سازگار است؟

اما اجازه دهید ببینیم آیا وجود جهانی با موجوداتی کامل و بدون نقص، معقول و ممکن است؟ نخست اینکه اگر مخلوقات خداوند نقص نمی‌داشتند، آنها ویژگی‌هایی خدا گونه می‌داشتند و از این جهت پس از خلقتشان، هیچ تفاوتی با خدایشان نمی‌داشتند.

توضیح اینکه مخلوقات و موجودات این جهان اصولاً چگونه می‌بایست می‌بودند تا آنان را ناقص ندانیم؟ برای مثال انسان موجودی کامل نیست چرا که از هر جهت ناقص است؛ در انسان علم، قدرت، امکانات، بینایی، شنوایی و ...، کامل نیست و گاه امکانات او از دیگر موجودات نیز ضعیف‌تر است حال انسان باید چگونه می‌بود تا ناقص به نظر نمی‌رسید؟ قطعاً باید علم و قدرت نامتناهی می‌داشت، چون عدم علم نسبت به چیزی و ضعف در قدرت، قطعاً نقص بشمار می‌آید. به‌طور مثال او می‌بایست بدون هیچ تلاشی و در آنِ واحد نسبت به تمامی جزئیات آن سوی گیتی و تمامی چند صد میلیارد کهکشان با تمامی ستارگان و سیاراتش آگاهی می‌داشت، چون اگر حتی از اوضاع و احوال گوشه‌ای از این جهان آگاهی نمی‌داشت، او دیگر کامل نمی‌بود و می‌توانستیم در صفت علم او نقص وارد کنیم و او را ناقص بدانیم.
همچنین انسان می‌بایست قدرت مطلقی می‌داشت و بر هر کاری توانا می‌بود، چرا که اگر در انجام برخی از کارها ناتوان می‌بود، کامل نبوده و باز هم او ناقص می‌بود.
همچنین او می‌بایست دارای اراده‌ی مطلقی نیز می‌بود و هرکاری را، می‌بایست بتواند که بخواهد! برخی از معترضین بیان می‌کنند که «چرا قدرت بینایی مثلاً عقاب از انسان بیشتر است و این نشان از نقص انسان است!» در پاسخ به آنها می‌گوییم بیایید فرض کنیم که بینایی انسان به اندازه‌ی قدرت بینایی عقاب بود، آیا در آن حالت بینایی انسان کامل بود؟ قطعاً خیر، در این حالت نیز بینایی انسان ناقص بود چرا که ما می‌توانیم بینایی قوی‌تر از عقاب را نیز متصور شویم. همچنین موجودی کامل نمی‌تواند فنا پذیر باشد، چراکه فنا شدن معادل فساد پذیرفتن و از کار افتادن آن است و از کار افتادن نیز به نسبت کارکردن، نقص به شمار می‌رود، پس اصولاً اگر مخلوقات خداوند، کامل می‌بودند، می‌بایست به‌طور همیشگی وجود می‌داشتند. از این جهت است که می‌گوییم این موجودات کامل پس از خلقتشان، هیچ تفاوتی با خدایشان نمی‌داشتند!!!
با کمی تأمل در می‌یابیم که این چنین جهانی اصولاً نمی‌تواند وجود داشته باشد چرا که تناقضاتی درونی بوجود خواهد آمد. زیرا موجوداتی با علم و قدرت و اراده‌ی مطلق اصولاً نمی‌توانند با یکدیگر به زندگی بپردازند چرا که ممکن است اراده و قدرت آنها در تقابل با یکدیگر قرار گیرد و لاجرم در این تقابل، یکی از دو موجود و یا هر دو، اراده‌ی آنها محقق نگردد و نتوانند آن کاری که می‌خواهند انجام دهند و در آن صورت صفت کمال از آنها سلب می‌گردد و نتیجه اینکه موجوداتِ کامل، ناقص خواهند بود و این تناقض است.
همچنین از دیدگاه اسلامی نیز نمی‌توان توجیهی برای وجود حیات بدون نقص بیان کرد چرا که باید توجه داشت از آنجایی که خداوند با آفرینش این جهان و موجودات آن قصد دارد آنان را بیازماید و سپس آنها را پاداش دهد و یا عقاب نماید، اصولاً خلق موجوداتی با صفات کمال در این دنیا بی معنی خواهد بود چونکه همانطور که قبلاً بیان شد موجود کامل دارای علم مطلق است و از سرانجام کارها به‌طور یقینی مطلع است و از این جهت امتحان و آزمایشِ موجوداتی از هر جهت کامل، عبث می‌باشد، زیرا در تمامی مراحل زندگی در همه‌ی آزمایشات پیروز خواهند بود و مسئولیت‌های خود را به بهترین شکل ممکن انجام خواهند داد و پاداش و عقاب این چنین موجودی بی معنی خواهد بود، پس اگر خداوند بخواهد موجوداتی را بیافریند که آنان را مورد آزمایش قرار دهد، می‌بایست به گونه‌ای بیافریند که صفت کمال نداشته باشند و این لازمه‌ی این حیات مادی است و تنها خداوند متعال است که کمال مطلق می‌باشد.

آیا وجود این جهان ناقص به این معنی است که خداوند نتوانسته است جهانی کامل‌تر بوجود آورد؟

قطعاً خیر. توضیح اینکه همانطور که قبلاً نیز بیان شد، یک آشپز ماهر ممکن است بنا به دلایلی غذایی تهیه کند که دارای بهترین کیفیت نباشد. ولی قطعاً این به این دلیل نیست که نمی‌تواند غذای بهتری درست کند. براستی این جهان، جهان کاملی نیست چرا که اگر کامل می‌بود، دیگر شاید نیازی به‌وجود جهان آخرت نبود. لذا یکی از دلایل وجود جهان آخرت این است که انسان‌ها به پاداش و مجازات کامل اعمال خود برسند و اگر این جهان کامل می‌بود، انسان‌ها در همین جهان به نتیجه‌ی کامل اعمال خود می‌رسیدند. ولی خداوند متعال بنابر برخی حکمت‌ها که یکی از آنها (همانطور که قبلاً گفته شد) امتحان و آزمایش از انسان‌ها می باشد، جهان را کامل و بدون نقص خلق نکرده است.
اما آیا خداوند می‌تواند جهانی کامل‌تر از این جهان خلق کند؟
پاسخ مثبت است و قرآن کریم از آن خبر داده است. اگر نیک بنگریم، جهان آخرت جهانی است به مراتب کامل‌تر از این جهان چرا که مسایلی که در این جهان نمی‌توان به آن دست یافت، در آن جهان دست یافتنی خواهد بود. انسان‌ها در بهشت جاودانه خواهند بود. جاودانگی‌ای که در این جهان نمی‌تواند اتفاق بیفتد، چشم‌ها در روز قیامت تیز بین‌تر خواهد شد و حقایق را خواهد دید. برای بهشتیان غم و رنجی وجود نخواهد داشت، چیزی که در این جهان نمی‌توان به آن دست یافت و ... .
پس قطعاً خداوند می‌تواند جهانی بهتر و کامل‌تر از این جهان بیافریند و یک نمونه از آن، جهان آخرت است.

نتیجه‌ی بحث

۱- از ناقص بودن جهان نمی‌توان ناقص بودن خالق آن را نتیجه گرفت چرا که ویژگی‌های یک مصنوع الزاماً نشان دهنده‌ی تمامیِ ویژگی‌های صانع نیست.
۲- یک جهان با موجوداتی کامل نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا به تناقض درونی می‌رسد در صورتی که جهان کامل بتواند وجود داشته باشد نیز با یکی از اهداف خداوند (آزمایش و ابتلا) هماهنگی ندارد، پس خداوند به جهانی کامل نیاز ندارد.
۳- از این واقعیت که جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، جهانی ناقص است نمی‌توان استدلال کرد که خداوند نتوانسته است جهانی کامل‌تر بیافریند، چرا که ادیان ابراهیمی حداقل یک جهان که مخلوق خداوند است و به مراتب کامل‌تر از این جهان است را معرفی کرده‌اند و آن جهان آخرت است.